



آخرین آوازِ قو!

بازگاوِی شخصیت و عملکرد شیخ فضل‌الله نوری بر اساس «آخرین

برگی» زندگی او، و «فرجام» مشروطه | علی ابوالحسنی (مُنذر) |

| چاپ پنجم |

| تاریخ قاجار |

سخن ناشر

مشروطیت یکی از حوادث بزرگ تاریخ ما است که، به لحاظ «تأثیر عمیق و ماندگار» آن در سیاست و فرهنگ این سرزمین، نقطه عطفی در تاریخ کشورمان به شمار می‌رود و درست از همین رو، پیوسته حجم عظیمی از پژوهشها و تحقیقات تاریخی را به خود اختصاص داده است. گذشت زمان، نه تنها از اهمیت بحث در باره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه بر آن افزوده است، و امروزه بسیاری از صاحب نظران، بررسی مشروطیت و کاوش در باره ریشه‌ها و پیامدهای آن را، برای آشنایی نسل حاضر با پیشینه فرهنگ و سیاست کشور خویش، و عبرت‌گیری از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود، امری حیاتی می‌شمرند.^(۱)

بررسی مشروطیت، بدون پرداختن به مواضع فکری و سیاسی حاج شیخ فضل‌الله نوری ممکن نیست. شیخ، در مراحل گوناگون تاریخ مشروطیت دخیل و مؤثر بوده و اگر مشروطیت را، در تاریخ کشورمان، بستر بروز نخستین نزاع جدی و اصولی میان «دین» و «مدرنیسم» به‌شمار آوریم، شیخ در آن هنگامه، پرچمدار دفاع از دین محسوب می‌شده و هزینه سنگینی نیز بابت این امر پرداخت کرده است.

سوگمندانه باید گفت که تاریخ مشروطیت، غالباً نه از منظری «بی‌طرفانه» و «واقع‌بینانه»، بلکه «یکسویه» و «جهت‌دار» نوشته شده و به ویژه کسانی که سنگ بنای «نگارش» این بخش از تاریخ ایران را نهاده‌اند، بیش و پیش از آنکه در صدد کشف و شناسایی حقایق باشند، ملوک سازِ چهره «جناح مغلوب» و توجیه

۱. چالش سنت و تجدّد / اسلام و غرب؛ عملکرد مطبوعات، احزاب و گروهها؛ تبعات سوء اختلافات و دست‌بندیهای «بحران ساز» سیاسی و اجتماعی؛ نقش سنن و شعائر مذهبی در پیشبرد قیام رهایی بخش ملی. مناسبات دین و دولت / علما و سلطنت؛ نقش مرموز انجمنهای ماسونی؛ پیامدهای استمداد از بیگانه سلطه‌جوی برای انجام اصلاحات داخلی. و مسائلی از این دست، از موضوعات مهم و قابل توجهی است که می‌توان مواد لازم برای بحث و تحقیق پیرامون آنها را، از سفره تاریخ مشروطیت برگرفت.

اعمال «جناح غالب» در آن دورانِ عبرت زای تاریخی را مدّ نظر داشته‌اند. و پربیداست که این امر، بدون «تحریف» یا «کتمان» واقعیات، شدنی نبوده است. آگاهی از این امر به آنان که در پی درکِ حقیقتند (و حقیقت را نیز بیش از افلاطون دوست دارند) هشدار می‌دهد که در بررسی حوادث مشروطیت از نقد اظهارات مورّخان غافل نبوده و در داوریهای خویش حتی‌الامکان به اسناد دست اول تاریخی رجوع کنند. آنچه در باب تحریف و کتمان حقایق گفتیم، بیش از همه دربارهٔ شیخ فضل الله نوری، این شخصیتِ تأثیر گذار تاریخی، مصداق دارد. چندانکه با بررسی «نقدانه» اظهارات غالب مورّخین مشروطه دربارهٔ وی می‌توان دامنهٔ وسیع «تحریف حقیقت» را در تواریخ مشروطیت دریافت و از آشنایی با این فاجعه چراغی برای «بازنگری و بازنگاری» مشروطیت برافروخت و به «واقعیات» این دوران سرنوشت ساز نزدیک و نزدیکتر شد...

بازنگری در تاریخ معاصر - به ویژه عصر مشروطیت - نیاز «حیاتی و فوری» نسل امروز است که مؤلف محترم این اثر، در همین زمینه، سلسله مباحث تاریخی و تحلیلی زیر را پیرامون «مشروطیت و حاج شیخ فضل الله نوری» به رشته نگارش درآورده است:

۱. آخرین آواز قو!؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری براساس «آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه.
۲. شیخ فضل الله نوری، و مکتب تاریخ نگاری مشروطه.
۳. اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل الله نوری.
۴. خانه، بر دامنه آتشفشان!؛ شهادتنامه شیخ فضل الله نوری.
۵. دیده بان، بیدار!؛ دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری.
۶. راز پنهان!؛ شیخ فضل الله نوری را، چرا و چه کسانی کشتند؟
۷. کارنامه شیخ فضل الله نوری؛ پرسشها و پاسخها.
۸. کالبد شکافی چند شایعه در باره شیخ فضل الله نوری...
۹. خاطرات و اظهارات آیت الله حاج شیخ حسین لکنرانی در باره مشروطیت و شیخ فضل الله نوری.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران ۱۳۸۵

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	پیشگفتار
۱۵	۱. کتاب مشروطه و پرونده شیخ راباید از آخر به اول خواند!
۲۰	مشروطه، در سیر برگشت ناپذیر خود، به کجا منتهی شد؟
۲۲	الف) سلسله قاجار
۳۰	ب) روحانیت شیعه
۳۰	همکاری و وسیع رجال مشروطه با رژیم پهلوی
۵۵	۲. آخرین برگ کارنامه شیخ، باطل کننده برجسبهای ناچسب!
۵۷	اسلام، زیر بیرق کفر نمی رود!
۵۹	برجسبهای ناچسب!
۶۱	تهمت وابستگی به روسیه؟!
۶۳	اکنون دیگر، مرگ بر من گواراست!
۶۷	۳. چون کوه استوار! چون موج خروشان!
۷۲	زین همراهان شست عناصر دلم گرفت!
۸۳	۴. دانش و پارسایی، دویژگی بارز شیخ شهید
۸۳	دانش کلان دینی
۸۸	تقوا و پارسایی
۹۱	۵. همیشه یار و غمخوار مردم بود
۱۰۳	۶. محبوب دل پاکان!

۱۰/ آخرین آواز قو؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری...

۷. شیخ در «رجال شناسی»، از دیگران جلوتر بود! ۱۱۵

۸. سرکه انداختیم، شراب شد! (ندامت مشروطه خواهان در پایان کار) ... ۱۲۳

۹. تقی زاده نیز به خطای خویش اعتراف می کند! ۱۳۷

۱۰. آخرین آواز قو، واپسین تیر آرش! ۱۵۱

کتابنامه ۱۵۹

الف) مجموعه ها و اسناد ۱۵۹

ب) جراید و نشریات ادواری ۱۶۱

ت) کتب و مقالات ۱۶۲

پیشگفتار

فقیه اصولی، حکیم، ادیب، سیاستمدار و نظریه پرداز بزرگ عصر مشروطه
آیت الله حاج شیخ فضل الله لاشکی نجوری معروف به نوری (تولد: ۲ ذی حجه ۱۲۵۹ ق.
شهادت: ۱۳ رجب ۱۳۲۷ ق) یکی از برجسته ترین و بحث انگیزترین شخصیت‌های
تاریخ معاصر است که هنوز هم پس از گذشت نزدیک به یک قرن از مرگ وی،
موافقان و مخالفان سرسخت دارد و اندیشه و عملکردش مورد بحث پژوهشگران
تاریخ و نظرورزان رشته دین و سیاست است.

شیخ فضل الله، به عنوان یک شخصیت مؤثر و تاریخساز که برخلاف موج
رایج زمانه (غریزدگی) شنا کرده است، بیش از ۷۰ سال همواره آماج سخت ترین
دشنامها و نسبت‌های سوء قرار داشت و در این مدت کمتر کسی به دفاع از او برخاست
یا مجال حمایت از او را یافت.^(۱) با طلوع خورشید انقلاب اسلامی، وضع جدیدی
پیش آمد و به دلیل همسویی وجه «اسلامی» انقلاب با «اصول» اندیشه و تفکر آن
مرحوم، میدان برای کسانی نیز که می‌خواستند از تقلید کورکورانه امثال کسروی سر
باز زده و تجدیدنظری در قضاوت‌های رایج تاریخ مشروطه داشته باشند، باز شد.^(۲)

۱. سخن در باره نقاط ضعف و تحریف تاریخنگاری معاصر ایران، بسیار است. عجلانراک،
ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۶۰/۲ به بعد: نظریه توطئه...، عبدالله شهبازی، ص ۱۵۹
به بعد؛ جریان‌شناسی تاریخنگاریها در ایران معاصر، ابوالفضل شکوری.
۲. هر چند که در عین حال، هنوز پس از گذشت بیست سال از پیروزی انقلاب، بازار کتاب و
اندیشه، از تکرار و تجدید چاپ آن نسبت‌ها و هتاک‌ها به ساحت شیخ و دیگر عالمان دین،
خالی نیست و حتی بوده‌اند کسانی که پیش از انقلاب، وقیحترین تعبیر را در برخی از
آثارشان راجع به شیخ فضل الله به کار برده‌اند و بعد از انقلاب، به اعتبار پاره‌ای از

مع الوصف، نواندیشانی هم که پس از پیروزی انقلاب، در صدد «بازبینی و بازنگاری» تاریخ مشروطه برآمدند، با یک محذور اساسی روبرو بوده‌اند، و آن اینکه، زمان گذشته بود و کسانی که به نحوی دست اندر کار قضایای مشروطه یا شاهد حوادث آن بوده و مخصوصاً همفکر شیخ نوری بودند نوعاً از دنیا رفته و دیگر حضور نداشتند که «نیمه سفید و نانوشته» تاریخ مشروطه را بازگو کنند، تا حوادث آن روزگار از دیدگاه مشروطه خواهان نیز بیان و تحلیل شود و در نتیجه، راه برای یک نگرش و قضاوت جامع الأطراف، همه جانبه و واقع بینانه باز گردد و تاریخ، از صورت «دادخواستی که گروه فاتح، با منطق «وای بر مغلوب!»، بر ضد گروه شکست خورده تنظیم کرده است» بیرون آید.

بعلاوه، بسیاری از اسناد و مدارک تاریخی (که می‌تواند حاوی صفحات «سفید» تاریخ مشروطه، و محکی برای تشخیص صحت و سُقم اوراق مکتوب آن باشد) در تپاول ایام و بر اثر شرایط سخت اختناق از بین رفته است^(۱) و نتیجتاً امکان گردآوری مواد و مصالح کافی برای بازنگاری «جامع» و «صحیح» تاریخ مشروطه - چنانکه باید - فراهم نیست. آری، به قول صادق سرمد:

پروبال ما شکستند و، در قفس گشودند

چه رها چه بسته مرغی، که پرش بریده باشد!

ازینرو ناچاریم که حقایق تاریخ مشروطه را از لابلای همین (به اصطلاح) نوشتجات تاریخی غرض آلود امثال کسروی و ناظم الاسلام کرمانی و... استخراج کنیم، که طبعاً کاری بسیار سخت و مشکل (ولی البته - به فضل حق - شدنی) است.

→ تصنیفات جدیدشان، به دریافت جایزه کتاب سال نیز نایل شده‌اند!

آری، امروزه انواع و اقسام خاطرات، سفرنامه‌ها، و آثار بظاهر تاریخی و تحلیلی مربوط به عصر مشروطه و قاجار، چاپ یا تجدید چاپ می‌شود (عوض مخالفت منطقی)، حاوی دشنام و هتاک به علما و مرحوم نوری است، و لابد جلو آن راه نمی‌شود گرفت.

۱. در این باب، برای نمونه‌ای از محو اسناد مشروطه مشروطه، رک به گزارش تکان‌دهنده و عبرت انگیز آقای شمس‌الدین تندرکیا (پسر حاج میرزا هادی، فرزند شیخ شهید) از نابودی اسناد و مکتوبات مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، مندرج در کتاب نهیب جنبش ادبی - شاهین، صص ۲۹۱-۲۹۳، و نیز گزارش تکان‌دهنده آقای فضل الله نورالدین کیا (پسر آقازاده‌الدین نوری، فرزند دیگر شیخ شهید) از سرقت بخش دیگری از اسناد مربوط به شیخ، مندرج در: خاطرات خدمت در فلسطین...، صص ۷۷-۸۴.

خوشبختانه اسنادی نیز که در سالهای اخیر از گوشه و کنار به دست آمده و همچنین پژوهشها و تحقیقاتی که پس از انقلاب توسط محققان نواندیش و غالباً جوان منتشر شده^(۱) در مجموع پرده‌های متعددی را از روی حقایق مکتوم تاریخ مشروطه کنار زده است؛ گویانکه هنوز تا منزلگاه نهایی، راه درازی در پیش است... بهر روی، برای دستیابی به تحلیلی بیطرفانه و در عین حال جامع‌الاطراف از حوادث مشروطه، به نگارش چندین کتابِ قطور نیازمندیم که طی آن بتوانیم طومار حوادث آن عصر را، با توجه به ریشه‌های تاریخی چند دهساله آن، یکایک گشوده

۱. همچون جنابان آقایان استاد علی دوانی: «نهضت روحانیون ایران»، ج ۱، ص ۱۱۱ به بعد؛ دکتر علی اکبر ولایتی: «مقدمه فکری نهضت مشروطیت» و دوره «تاریخ روابط خارجی ایران»؛ جواد بهمنی: «فاجعه قرن...»؛ محمد رجبی: «سیر تفکر جدید در جهان و ایران» و دوره «مقدمه ای بر انقلاب فرهنگی اسلامی»؛ محمد علی جاودان: «در تحلیل استعمار فرهنگی»؛ موسی نجفی: «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی»، «حکم نافذ آقانجفی»، «متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران»، «تعامل دیانت و سیاست در ایران» و مقالات گوناگون در جراید؛ رسول جعفریان: «بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس»؛ مصطفی پروچردی: «نخستین فریادگر مشروطه...»؛ مهدی انصاری: «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت...»؛ موسی حقانی: «مقالات گوناگون در: مجله تاریخ معاصر ایران: مظفر نامدار»؛ «رهیافتی بر مبانی اندیشه‌های سیاسی شیعه در قرن اخیر» و آثار دیگر؛ محمد ترکمان: دو جلد: «رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل‌الله نوری» و «مکتوبات، اعلامیه‌ها... و چند گزارش پیرامون نقش شیخ شهید فضل‌الله نوری» و نیز مقالات متعدد در مجله تاریخ معاصر ایران و نگاه نو و دنیای کتاب؛ هما رضوانی: «لوايح آقاشیخ فضل‌الله نوری»؛ عبدالله شهبازی: جلد دوم «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، دوره «زرسالاران یهودی و پارسی» و نیز: «نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی...» و...؛ ابوالفضل شکوری: «خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران...»؛ حسین آبیادیان: «رسول‌زاده...» و آثار دیگر؛ سید حمید روحانی: «نهضت امام خمینی»، ج ۳، فصل: ماسون‌ها و نهضت مشروطه؛ سید محمد تقی آیت‌اللهی: «ولایت فقیه، زیربنای فکری مشروطه مشروطه»؛ دکتر رضا داوری: «انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم»، فصل: رهبری در مشروطیت و در انقلاب اسلامی؛ دکتر محمد مددپور: «تجدد و دین‌زدایی...» و «تأملاتی انتقادی در باب اندیشه‌های بنیادی مشروطه»؛ شهریار زرشناس: «مقالات گوناگون در کیهان نظیر «جنبش مشروطه؛ درسهایی از یک تراژدی» و دیگر جراید؛ حسن رحیم‌پور «از غدی»؛ «شیخ فضل‌الله چرا بر دار رفت؟!» و... برای آشنایی با تحقیقات قدیم و جدید در باره مشروطیت و حاج شیخ فضل‌الله ر.ک، کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران، علی پورصفیر، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.

و بدقت بررسی کنیم تا معلوم شود سخنانی که راجع به مشروطه و عملکرد شیخ فضل الله زده شده و می شود (و بعضاً، از غایت کهنگی، نخ نما شده!) چه مقدار با حقایق تاریخی و اعتبارات عقلی، همخوان بوده و چه مقدار نیز «عقده ها و عقیده هایی است که به قالب تاریخ درآمده اند»؟! یقیناً این کار مجال واسعی را می طلبد و در یک فرصت محدود، امکان پرداختن به آن نیست^(۱) و بنابراین باید برای رسیدن به مقصد (یا زمینه سازی جهت نیل به آن) راه میابری را برگزید: بررسی صفحه پایان تاریخ مشروطه و نیز برگ آخر پرونده شیخ، که گشاینده طلسم حقیقت است.^(۲)

علی ابوالحسنی (منذر)

۱. راقم این سطور، در باب مشروطه و تجزیه و تحلیل حوادث آن روزگار، آثار متعددی دارد که برای اطلاع پژوهشگران و طالبین، به برخی از آنها اشاره می شود:
ویژه نامه مذهبی - سیاسی «کوثر»، منتشره از سوی انتشارات کوثر، شماره ۳ (حدود تیر ۱۳۵۸)، ویژه شهید حاج شیخ فضل الله نوری؛ تحلیلی سیاسی - اجتماعی از فلسفه و ضرورت ولایت فقیه و دموکراسی ارشاد شده، فصل: «مشروطه بازها و مشروعه خواهها»؛ نگاهی کوتاه و گذرا به نهضت مستقیم و مستمر مرجعیت و روحانیت شیعه در دو قرن اخیر، مندرج در: دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران، به اهتمام باقری بید هندی؛ تحلیلی از نقش سه گانه شیخ شهید نوری در نهضت تحریم تنباکو؛ پایداری تا پای دار، سیری در حیات پر بار علمی... و سیاسی شهید حاج شیخ فضل الله نوری؛ آینه دار طلعت یاز؛ سیری در زندگانی و افکار ادیب پیشاوری، صص ۴۷-۸۷، تراز سیاست، جلوه هایی از سیاست و مدیریت شیخ انصاری، صص ۱۵۹-۱۸۴.
۲. دفتر حاضر، در اصل، تفصیل سخنرانی است که توسط راقم این سطور، شب ۲۳ آذر ۱۳۷۴ شمسی در مراسم «یادمان شیخ فضل الله نوری» در تهران (ضلع جنوبی پارک شهر، خیابان شیخ فضل الله نوری، مسجد شیخ فضل الله) ایراد گردید. مراسم مزبور به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران و با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد و چند تن از شاعران و اندیشمندان بنام کشور همچون آقایان محمود شاهرخی (جذبه) و دکتر داوری در آن به سرودن اشعار و ایراد سخنرانی پرداختند.